

ملاحظه‌ها راجع به «شکل‌های فعل» در «رساله‌ی قدّوسیه»

میر سید علی همدانی

رحیم‌جان سعیدآف*

شکل‌های زمانی فعل، در زبان تاجیکی [فارسی] از منظر بیان فکر، ویژگی خاص خود را دارند. شکل‌های گوناگون فعل که در زبان ادبی و شیوه‌های زبان تاجیکی [فارسی] استعمال می‌شوند، محصول یک دوره‌ی معین نبوده، بلکه نتیجه‌ی دوره‌های گوناگون توسعه و ترقیات زبان تاجیکی [فارسی] به شمار می‌روند. شکل-های فعلی و تابش‌های معنایی آن‌ها وابسته به خصوصیات نوع ادبی اثر و سبک

فردی مؤلف ممکن است دچار تغییرات شوند. این نکته را بسیاری از مؤلفان تاریخ فعل زبان تاجیکی [فارسی] نیز نوشته‌اند.

تغییرات شکلی و معنایی فعل‌های زبانمان، البته علاقه‌مندان به سبک استعمال آن‌ها در اثرهایی معلوم خواهند گشت که در دوره‌های گوناگون تاریخی نوشته شده‌اند. نویسندگان در هر یک از دوره‌های تاریخی به غیر از استفاده‌ی شکل-های معمول فعل، باز امکان پیدا می‌کند که بعضی شکل‌های نسبتاً نو را نیز آفریده، در تألیفات خود به کار گیرند. با وجود بعضی تغییرات، اساس زبان آثار نثر کلاسیکی را، از نقطه نظر استفاده‌ی شکل‌های گراماتیکی [دستور زبانی]، قوانین عمومی زبان تاجیکی تشکیل می‌دهند.

مراد از این گفته‌ها آن است که چند ملاحظه‌ی خویش را نسبت به بعضی خصوصیت‌های زبانی در یکی از شه ستون‌های فلسفه‌ی شرق مسلمانی؛ میر سید علی همدانی، یعنی «رساله‌ی قدّوسیه» در مسائل کاربرد شکل‌های زمانی «فعل و رابطه‌ی آن با زبان ادبی کنونی تاجیک» بیان نمایم.

مشاهده‌ی منابع علمی دلالت می‌نمایند که «شکل‌های فعلی» در طول قریب ۷۰۰ سال یک جور نمانده‌اند. آن‌ها در این دوره‌ی طولانی به بعضی تغییرات دچار شده‌اند. به خاطر آوردن بعضی از چنین دگرگونی‌ها از روی درجه‌ی استعمالشان در ضمن مطالب «رساله‌ی قدّوسیه» میر سید علی همدانی، امکان پذیر است.

باید گفت که در زبان ادبی کنونی تاجیک، تنها در یک سیستم شکل‌های صیغه‌ی خبری فعل «۱۲ شکل زمانی» که دارای تابش‌های گوناگون معنایی می‌باشند،

وجود دارند که مشاهده‌ی اکثریت آنها را در شیوه و لهجه‌های کنونی زبان تاجیک امکان پذیر است.

در «رساله‌ی قدّوسیه» پنج شکل زمانی صیغهی خبری مشاهده می‌شود. در شکل «صیغهی خبری زمان حال» [مضارع اخباری] با پیشوند شکل ساز «می» [می خوانم]: «اما بعد بدان، ای عزیزنا، مهندسان کارگاه تقدیر صور الوان و اشکال بر صفحات الواح وجود می‌نگارند...» (۷/۷). آینده‌ی قطعی یا جدّی [مستقبل] که با فعل «خواستن» و یاور [فعل کمکی] «بود» صورت می‌گیرد، مثل «خواهد بود»: «و استکمال این دو صفت دو جناح مؤمن خواهد بود...» (۹/۷). شکل زمان گذشته‌ی نزدیک [ماضی ساده] (خواندم): «اینچنین نمازکننده که شنیدی، کی برابر بود با غافل‌ی که از روی ظلمات نفسانی و قدرت وساوس شیطانی سر به زمین نهد...» (۱۰/۷). هم‌چنین یک شکل «نقلی صیغهی خبری» که در ادبیات علمی شکل زمان گذشته‌ی نقلی [ماضی نقلی] (آفریده‌اند، خوانده‌اند) نامیده می‌شود؛ «به نظر رسید: ای عزیز، پیغمبر صلواہ الله علیه می‌فرماید که هر که را برای جنّت آفریده‌اند دل وی را محل رحمت گردانیده‌اند و ارباب تحصیل آن بر وی آسان کرده‌اند و طاعت حق را در دل وی شیرین کرده‌اند و هر که را برای آتش آفریده‌اند، دل وی را از سعادت محروم کرده‌اند و اسباب معصیت بر دل وی شیرین کرده‌اند و طاعت حق بر دل وی دشوار کرده‌اند». (۱۷/۷).

در «رساله‌ی قدّوسیه» به غیر از شکل‌های نامبرده شکل غیر شخصی صیغهی خبری (بُود) نیز استفاده شده است. این شکل زمانی در رساله‌ی مذکور همچون سنت پیشینه‌ی زبان تاجیکی [فارسی] همانند زمان حاضر و آینده [مضارع ساده] و هم عمل منتظم و دائمی و متصل را می‌رساند: «اوّل چیزی که در روز قیامت سؤال

کنند، از نماز بُود؛ اما پادشاهان را اوّل چیزی که سؤال کنند، از عدل و احسان بُود». (۱۳ / ۷).

۱. شکل‌های زمان گذشته‌ی حکایتی [ماضی ساده] (می خواندم)، گذشته‌ی دور (خوانده بودم) [ماضی بعید]، گذشته‌ی دور حکایتی (می خوانده بودم) [بعید-استمراری]، گذشته‌ی نقلی حکایتی (می خوانده‌ام) [ماضی استمراری نقلی]، گذشته-ی دور نقلی (خوانده بوده‌ام) [ماضی ابعید]، حاضره‌ی معین (خوانده ایستاده‌ام) [=دارم می خوانم: مضارع مستمر]، گذشته‌ی معین دور (خوانده ایستاده بودم) [=داشتم می خواندم: ماضی مستمر] و شکل زمان گذشته‌ی معین دور نقلی (خوانده ایستاده بوده‌ام) [=داشتم می خوانده‌ام: ماضی مستمر نقلی] که فقط سوم شخص مفرد آن بدون فعل کمکی کاربرد دارد؛ مثال: پشت فرمان ماشین (داشته می خوانده) که تصادف می‌کنه [در رساله‌ی مذکور دیده نمی‌شود. (۵۶/۷)] [این سه مورد آخر در فارسی معیار ایران بدین گونه به کار نمی‌رود، بلکه گونه‌ای متفاوت از آن که تقریباً همان مفهوم را دارد در کتاب‌های دستور زبان فارسی ذکر شده است].

۲. در «رساله‌ی قدّوسیه» برعکس زبان عصرهای پیش از قرن‌های ۹ و ۱۰ میلادی صیغه‌ی خبری و شرط خواهشمندگی [معادل مضارع ساده از بودن؛ باشد= بُود؛ آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند / آیا بُود که گوشه‌ی چشمی به ما کنند] در شکل اول شخص و دوم شخص مفرد (بُوم، بُوی) و سه شخص جمع (بُویم، بُوید، بُوند) استعمال نشده است. وی مطابق قاعده‌های استعمال زبان دوره‌ی خود، تنها در شکل سوم شخص مفرد (بُود) به کار برده است که در زبان ادبی کنونی هم چون دوران پیشینه‌ی زبان تاجیک [فارسی] ، استفاده شده است.

۳. معلوم است که در زبان نظم و نثر دوره‌ی پیش از انقلاب [انقلاب اکتبر] شکل زمان گذشته‌ی حکایتی با پسوند «ی» از قبیل کردندی، زدندی، رفتندی و مانند این‌ها استعمال می‌شد. میر سیّد علی همدانی از استعمال پیشینه‌ی آن گذر کرده، شکل با پیشوند «می» قابل استفاده را (می خواندم، می آمدم، می گفتیم و ...) که در شیوه و لهجه‌ها نیز پرکاربرد است، استفاده کرده است. در «رساله‌ی قدّوسیه» فعل‌ها با پیشوند «می» بسیار مشاهده می‌شود.

۴. خصوصیت دیگر «رساله‌ی قدّوسیه» در بابت استفاده‌ی شکل‌های فعلی در آن است که شکل‌های زمانی صیغه‌ی احتمالی با پسوند «گیست» (خواندگیست، می خواندگیست، بودگیست و ...) استفاده نمی‌شود. معلوم است که صیغه‌ی احتمالی در شکل نامبرده خاص زبان گفتاری بوده، بعد از انقلاب اکتبر به زبان ادبی خطّی [مکتوب] وارد شده، آهسته-آهسته پُراستعمال شده است.

۵. در این اثر از «شکل‌های نقلی فعل، بندک‌های خبری» [بندک؛ پسوند] بیشتر به طور کاملشان استفاده می‌شوند. چنان که نثر کلاسیکی شهادت می‌دهد، شکل‌های ناکامل بندک‌های خبری در شکل‌های نقلی فعل در زبان دوره‌ی کلاسیکی به طور فراوان استفاده می‌شدند. اما در «رساله‌ی قدّوسیه» این ویژگی رعایت شده، شکل کامل آنها استفاده گردیده‌اند.

روند تغییر زبان خلقی - گفتگویی [زبان گفتاری عامه‌ی مردم] به زبان ادبی، در ادبیات علمی به دوره‌ی بعد از انقلاب نسبت داده شده است.

باید گفت که در هر دوره و زمان، زبان خلق کوتاه و ساده، موجز و پرمضمونی فکر را طلب می‌نماید. ورود عناصر شفاهی، به زبان ادبی زمان می‌طلبد و قوانین مخصوص خود را داراست. این حالت در یک دوره‌ی معین تاریخی آهسته و با تمکین روی می‌دهد، چنین حالت در دور و زمان دیگر با راه و واسطه‌های گوناگون ممکن است پرقوت‌تر گردد. از این رو، استعمال شکل زمان گذشته‌ی صفت فعلی با پسوند «گی» در «رساله‌ی قدّوسیه» یک بار در کلمه‌ی «ماندگی» به کار رفته است: امروز که قدرت داری، از گنج‌های باقی چندان که می‌توانی، بنه که در روز ماندگی تو را دست گیرد (۱۳/۷). این جهت استعمال صفت فعلی با پسوند «گی» دلالت بر آن دارد که در دوره‌ی وی بطور کامل شکل نگرفته بوده است.

در استعمال «فعل‌های ترکیبی» نیز در زبان «رساله‌ی قدّوسیه»، بعضی تغییرات و دگرگونی‌ها (در مقایسه با زبان ادبی کنونی) مشاهده می‌شود. نویسندگان همچون داننده‌ی نازکی‌های [ظرایف] سبک زبان تاجیکی، فعل‌های ترکیبی را علاقه‌مندانه به مضمون عمومی جمله و متن‌ها در شکل‌های گوناگون استفاده کرده، با یک طرز و اسلوب افاده‌ی خاص خود معنی‌های عالی و جاودانی را در نظر خواننده جلوه‌گر می‌سازد.

در این کتاب شکل‌های زیرین فعل‌های ترکیبی مشاهده می‌شوند که بسیاری از آنها به زبان ادبی کنونی شباهت داشته، در استفاده‌ی بعضی از آنها تفاوتی به نظر می‌رسد.

۱. یک گروه فعل‌های ترکیبی مثل زبان ادبی کنونی جزء مستقل در شکل صفت فعلی زمان گذشته با پسوند «ه»؛ (رسیده باشد)، (۱۶ / ۷)، (شکافته شوند)، (۱۳ / ۷)، بعضی جزءهای مستقل فعل‌های ترکیبی دیگر در شکل‌های کامل مصدری؛ (سراییدن گیرد، ریختن گیرد (۱۴ / ۷) و صفت فعلی زمان حال؛ (روان گردد (۷ / ۱۳) استفاده شده‌اند. به عنوان مثال؛ ... در اخبار آمده است که روز قیامت موقفی است که از هیبت آن موقف آسمان‌ها شکافته شوند و کوه‌ها چون ابر در هوا روان گردد... (۱۳ / ۷).

در «رساله‌ی قدوسییه» شکل دیگر فعل ترکیبی با شکل غیر شخصی فعل «توانستن» (توانی) پُر استعمال است. این فعل با فعل‌های یاور [کمکی] «کردن» و «بودن» بیشتر مشاهده می‌شود. همچنین شکل غیر شخصی فعل «توانستن» (توانی، تو اند...) با فعل‌های «بستن»، «رسیدن» و غیره نیز دچار می‌آید؛ «و این را محقق دان که راه‌های خلاق به حضرت عزّت بسیار است و هر کسی به راهی که موافق حال او بود، بدان حضرت تقرّب توان کرد» (۱۳ / ۷)، «و راهی که حاکم و پادشاه به واسطه آن به حضرت لایزالی تواند رسید، عدل و احسان است» (۱۳ / ۷).

در اثر استعمال فعل «توانستن» با مصدر کامل، نظیر «تواند خواندن» که در زبان نثر و نظم کلاسیکی بسیار است، مشاهده نکردیم.

۳. گروه سوم فعل‌های ترکیبی در «رساله‌ی قدوسییه» با شکل غیر شخصی فعل «خواستن» (خواهم، خواهی، خواهد...) و (بیشتر) فعل‌های کمکی «بود» و «کرد» تشکیل می‌شود؛ «و استکمال دو صفت دو جناح مؤمن خواهد بود...» (۹ / ۷)، «ای عزیز! نمی‌دانم که از این سخنان چه فهم خواهی کرد...» (۱۲ / ۷).

خلاصه، چند سطر ناقصی که در بالا اشاره شد، دلیل آن است که در برابر پهلوه‌های [جوانب] گوناگون تألیفات این شخص متفکر، آموختن خصوصیت‌های زبانی اثرهای وی نیز اهمیت نظری و عملی دارند.

منابع و مأخذ:

[رقم سمت راست در ارجاعات متن ، اشاره به شماره منبع یا مأخذ مذکور در ذیل و رقم چپ، شماره صفحه‌ی کتاب است توضیحات داخل کروشه مربوط به دریافت‌های ویراستار است]

- ۱- برتلس، یوگنی ادواردویچ، کتاب درسی زبان فارسی، لنینگراد، ۱۹۳۲.
- ۲- رستارگویه‌آوا، و ؛ کریم آوا. ۱، سیستم فعل تاجیکی، انتشارات «نئوکه»، مسکو، ۱۹۶۴، ص، ۷۰.
- ۳- بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی، چاپ دوّم، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
- ۴- روبین‌چیک، یوری. ۱، زبان فارسی معاصر، مسکو، ۱۹۶۰
- ۵- معصومی. ن، آچیرک‌ها [مقالات]، عاید به [مربوط به] توسعه زبان ادبی تاجیک، استالین‌آباد [دوشنبه]، ۱۹۵۹.
- ۶- سیایف، ب. آچیرک [مقاله] «تاریخ فعل زبان ادبی تاجیک»، دانش، دوشنبه، ۱۹۶۸، ص، ۱۶۴-۱۶۳.
- ۷- همدانی، میر سیّد علی، «رساله ی قدّوسیه»، کولاب، ۱۹۹۳.